



کرامات زیادی از امام حسین(ع) دیدم / ۷ مرتبه زیارت کربلا رفتم / خاطره‌ای از پیاده‌روی اربعین

نویسنده مسیحی کتاب «حسین در اندیشه مسیحیت» که تاکنون هفت مرتبه به کربلای معلی مشرف شده است، می‌گوید: در خانه مسیحیان عرب شمایل امام حسین(ع) آویخته شده است چرا که شمایل ایشان را شبیه حضرت مسیح(ع) می‌دانند.

نویسنده مسیحی کتاب «حسین در اندیشه مسیحیت» که تاکنون هفت مرتبه به کربلای معلی مشرف شده است، می‌گوید: در خانه مسیحیان عرب شمایل امام حسین(ع) آویخته شده است چرا که شمایل ایشان را شبیه حضرت مسیح(ع) می‌دانند.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، نویسنده مسیحی سوری‌الاصل و ساکن کویت، کتاب «حسین در اندیشه مسیحیت» را نوشته است، پس از انتشار این کتاب در بین مسلمانان معرفی شد و خودش می‌گوید که تحت کرامات امام حسین (ع) این کتاب را نگاشته است و کرامات بسیاری نیز از امام در خواب و بیداری دیده است.

کتاب «حسین در اندیشه مسیحیت» تاکنون به هفده زبان ترجمه و در پنج دانشگاه و برای دوره‌های تکمیلی مورد تأیید قرار گرفته است، آنتوان بارا می‌گوید که علاقه به اهل بیت (ع) را از مقاتل امام حسین (ع) آغاز کرده و همیشه دور و برش پر از کتاب‌های شیعی بوده است و خانواده‌اش نه تنها با این امر مشکلی نداشتند بلکه تشویقش می‌کردند و شمایل امام حسین (ع) را به دلیل شباهت به مسیح (ع) بر دیوار خانه‌شان آویختند.

بارا، نویسنده، روزنامه نگاری پیشکسوت و نویسنده ای است که 15 کتاب به رشته تحریر درآورده و آثارش ابتدا در حوزه ادبیات، رمان و داستان بوده است، وی می‌گوید چهار فرزند و چهار نوه است و همه خانواده‌اش به اهل بیت (ع) علاقه‌مندند مخصوصاً پسر کوچکش کارشناس موسیقی است و در مدح ائمه (ع) مدیحه سرایی کرده است.

آنتوان بارا که تاکنون 25 بار نهج البلاغه را کامل خوانده می‌گوید که تاکنون هفت بار به کربلا رفته و هشت بار به ایران سفر کرده و همینطور پیاده روی نجف تا کربلا رفته و حس و حالش در این ایام وصف نشدنی است.

با این نویسنده مسیحی در حاشیه اجلاس پیرغلامان حسینی(ع) گفت و گو کردیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانیم:

* ابتدا خودتان را معرفی کنید؟

- بنده آنتوان بارا، روزنگار و مجری اخبار تلویزیونی در کویت هستم، دکترای تاریخ اسلام و اصول عرفان دارم.

*چند سالتان است؟

- 71 سال.

*متولد چه کشوری هستید؟

-سوریه ولی اکنون ساکن کویت‌ام.

* شما مسیحی هستید اما درباره امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) کتاب نوشته‌اید، چطور شد که به اهل بیت (ع) علاقه‌مند شدید؟

- بنده از کودکی تا جوانی درباره امام حسین (ع) کتاب می‌خواندم مقاتل مختلف و اولین کتابی هم که خواندم مقتل سید محرم بود و بر آن حاشیه نوشتم همان زمان یکی از دوستانم به من گفت حال که توضیح بر این کتاب می‌نویسی، خودت هم یک

کتاب بنویس در آن زمان بنده هفده سالم بود.

بنابراین در سن 22 سالگی شروع به نوشتن کردم و ابتدا کتاب‌های عاشقانه می‌نوشتم و سپس شروع به نوشتن درباره امام حسین (ع) کردم.

کتاب «حسین در اندیشه و فکر مسیحی» را 10 سال طول کشید که بنویسم و 35 سال پیش آن را تألیف کردم و کتاب «زینب فریادی که ادامه دهنده راهی بود» بیش از 10 سال به طول انجامید و رونمایی آن نیز در ایران بود.

پس از اینکه شروع به تألیف کتاب امام حسین (ع) کردم مدتی متوقف شدم چرا که منابع بسیار زیاد بود و بنده نیز گیج بودم اما دوست من گفت که به برکت امام حسین (ع) قدرت خواهی گرفت و کتاب را تمام می‌کنی، خلاصه بنده نیز آن کتاب را تمام کردم اما پس از آن دیگر مثل آن کتاب نتوانستم بنویسم.

در منزل مسیحیان عرب شمایل امام حسین (ع) وجود دارد

*آیا توجه به اهل بیت (ع) شما را از خانواده تان دور ساخت یا خیر؟

خیر بنده از سوی خانواده هیچ محدودیتی نداشتم چرا که مسیحیان عرب بینش بازی دارند و به اهل بیت (ع) احترام زیادی می‌گذارند در خانه همه مسیحیان عرب شمایل امام حسین (ع) وجود دارد چرا که ما معتقدیم ایشان بسیار شبیه مسیح (ع) هستند.

در مدرسه اسلامی تحصیل کردم

*بنابراین در زمینه پژوهش‌هایی که انجام دادید، چه اندازه تربیت خانواده‌تان تأثیرگذار بوده؟

خوشبختانه به لحاظ خانوادگی هیچ مشکلی نداشتم چرا که بنده در خانه اتاقی داشتم که در آن بیش از 400 منبع اسلامی دور و بر من بود و در مدرسه اسلامی هم درس می‌خواندم درحالی‌که همه دوستانم در مدرسه مسیحی بودند در مدرسه اسلامی هم باید درس بینش اسلامی می‌خواندند که البته برای من اجباری نبود اما بنده خودم این درس را انتخاب کردم و در آن شاگرد اول هم شدم.

روزنامه‌نگاران من را مسیحی شیعه شده می‌نامند

*شما بیشتر برای چه ادیانی سخنرانی می‌کنید؟ مسیحیان؟

خیر برای همه ادیان. روزنامه‌نگاران بنده را مسیحی شیعه شده نامگذاری کرده‌اند حتی در یک جلسه‌ای یکی از بانوان حاضر مرا به حضور طلبید و گفت که شما مسیحی نیستی، یک شیعه اصیل هستی.

*شما به کربلا سفر کرده‌اید در زمان سفر آیا حس و حال خاصی داشتید؟

-بله بنده هفت بار به کربلا رفتم و خیلی تحت تأثیر قرار گرفتم، در کنگره بهار شهادت و باران غدیر سخنرانی کردم و حس و حال را بازگو کردم الان بعد از این سفر به اهواز مستقیم به نجف اشرف می‌روم و آنجا نیز سخنرانی دارم.

*تا به حال در خواب و رؤیا امام حسین (ع) را دیده‌اید؟

-بله بسیار زیاد.

*می‌توانید یکی از آنها را برای ما تعریف کنید؟

-بله یکی از رؤیاهایم درباره امام حسین به پیش از نگارش کتاب ایشان باز می‌گردد، شب پیش از نگارش کتاب امام (ع) را در خواب دیدم از دیدن امام بسیار ترسیده بودم ولی در درون خود یک راحتی خاصی احساس کردم و بعد تصمیم به نگارش کتاب گرفتم.

یکی دیگر از کرامات امام را نیز در بغداد دیدم زمانی که با ماشین پژو خودم از پل بغداد که بین این شهر و شهر دیگری است عبور می‌کردم که ناگهان ماشینم خراب شد و مردم آن را هل دادند تا بعد از پل، آنجا که یک پیرزنی به نام امه عمار را دیدم که خرما می‌فروخت یا توزیع می‌کرد، به من گفت بیا بخور من گفتم نمی‌توانم مشغول تعمیر ماشین هستم، اما باز اصرار کرد که بخور، بعد از من پرسید که کجا می‌روی؟

گفتم: کربلا، او هم گفت این خرما را بخور و بقیه را برای زوار امام حسین (ع) ببر. سادگی زن باعث شد خرما را بگیرم و بخورم و بقیه را در ماشین گذاشتم خلاصه ماه رمضان بود، روزه نبودم ولی آن زن روزه بود، پیش از اینکه جرثقیل برسد ماشین روشن شد و تا نزدیک کربلا رسیدم مردی را دیدم که با من ابراز آشنایی کرد ولی من او را نمی‌شناختم او به من گفت که چرا خبر ندادی به اینجا می‌آیی؟ خلاصه تا زمانی که به کویت برسم ماشین خراب نشد و بعد که به تعمیرگاه رسیدم، تعمیرکار به من گفت که چطور با این ماشین تا اینجا آمدی؟ یک قطعه از آن ذوب شده و اصلاً وجود ندارد، خلاصه این از کرامات امام بود.

نحوه شهادت علی اصغر (ع) مرا به گریه می‌اندازد

*تا به حال برایتان اتفاق افتاده که در زمان تحقیق یا کار برای امام حسین (ع) گریه کنید؟

-بله البته نه فقط زمانی که تحقیق می‌کردم بلکه زمان سخنرانی‌ها هم به ویژه وقتی قضیه علی اصغر (ع) و تیری که از سمت حرمله به گلوی او شلیک شد را تعریف می‌کردم، گریه‌ام می‌گیرد.

*استاد چند فرزند دارید؟

4- فرزند و 4 نوه

*شنیدیم که یکی از فرزندانند مداح است؟

-بله، یوسف فرزند آخرم 23 سال سن و فوق لیسانس موسیقی دارد، یازده سال است که مداح است و تواشیح دینی هم در مدح پیامبر (ص) و حتی جلال الدین رومی (مولانا) می‌خواند.

به اعتقاد من مهم این نیست که مسیحی یا مسلمان باشی مهم این است که عقیده‌ات چیست بنده و خانواده‌ام متمسک به اهل بیت (ع) هستیم خیلی مسلمانان هستند که به اهل بیت (ع) اعتقاد ندارند و برعکس ولی ما اعتقاد خاصی داریم.

*شما به عنوان یک غیر ایرانی و مسلمان نظرتان درباره معارف اهل بیت (ع) و ترویج آن پس از انقلاب اسلامی در ایران چیست؟

-بنده پس از تألیف کتاب امام حسینم هشت بار به ایران آمدم خدا را شکر پس از انقلاب اسلامی به لحاظ توجه به امام رضا (ع) و گردهمایی‌ها و سمینارهایی که در حوزه مذهبی برگزار می‌شود، بسیار جای تشکر است و بنده اینها را در ایران رضایت بخش می‌بینم.

*در رونمایی کتابتان درباره حضرت زینب (س) فرمودند که از نجف به کربلا پیاده روی کردید، چه حسی داشتید؟

-خیلی عجیب بود ما مسافرتان را از حرم امام علی (ع) و وادی السلام آغاز کردیم و سه روزه به کربلا رسیدیم در این مدت نه خواب و خوراک و شیرینی‌های جورواجور داشتیم به هیچ کدام اهمیت ندادیم هدف ما بالاتر بود حتی در سوریه هم مقبره حضرت زینب (ص) رفتیم و خودمان را بسیار کوچکتر از جایگاه رفیع ایشان دانستیم.